

مطالعه شناخت وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر الگوی والایس بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی (مورد: دانشگاه تهران)^۱

طاهره شفائی یامچلو^۲
خدایار ابیلی^۳
احد فرامرز قراملکی^۴

چکیده

پژوهش پیش رو باهدف «مطالعه وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی، مبتنی بر الگوی والایس» صورت گرفته است. این پژوهش در حیطه‌ی پژوهش‌های توصیفی از نوع پیمایشی و در زمره مطالعات موردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشکده‌های واقع در شهر تهران «دانشگاه تهران» با تعداد ۱۵۹۳ نفر هست که با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و به‌صورت تصادفی، تعداد ۱۳۸ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد مبتنی بر الگوی والایس (۲۰۰۸) است. پس از تأیید روایی صوری و محتوایی از دیدگاه متخصصان این حوزه، اعتبار ابزار از طریق تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار PLS بررسی و تأیید گردید. همچنین، پرسشنامه از نظر پایایی، قابلیت اعتماد بالایی (۹۷ درصد)، داشت. یافته‌های پژوهش گویای آن است که وضعیت مسئولیت اجتماعی در دانشگاه تهران چندان مطلوب و رضایت‌بخش نمی‌باشد. با توجه به اینکه

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «شناسایی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر مدل والایس (مورد: دانشگاه تهران) بر اساس دیدگاه اعضای هیات علمی و ارائه راهکار جهت بهبود آن» رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزشی دانشگاه تهران است.

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: Taherehshafaie@ut.ac.ir

^۳ استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیک: Abili@ut.ac.ir

^۴ استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیک: Akhlagh_۸۵@yahoo.com

وضعیت مسئولیت اجتماعی دانشگاه در چهار حوزه دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی، آموزش معتبر و مسئولانه حرفه‌ای و شهروندی، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت از توسعه پایدار هم مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نظرسنجی از اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران مؤید این مطلب است که وضعیت موجود دانشگاه در هر چهار حوزه فوق، چندان رضایت‌بخش و مطلوب نمی‌باشد و مستلزم بهبود است. بدین منظور، ضمن ارائه نتایج تحقیق، بر اساس تحلیل داده‌ها و الگوبرداری از تجارب دانشگاه‌های سایر کشورها، جهت بهبود وضعیت مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران در قالب چهار حوزه فوق، راهکارهایی ارائه شد که می‌تواند مورد استفاده سایر دانشگاه‌های کشور نیز قرار گیرد. شایسته است، دانشگاه‌ها ایجاد تصویر مطلوب درون و برون سازمانی خود را بیش از پیش مورد توجه قرار داده و یک واحد مستقل به منظور پیشبرد امور مربوط به مسئولیت اجتماعی دانشگاهی ایجاد و تأسیس نمایند. پیوستن به شبکه‌های بین‌المللی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی و ایجاد مرکز پژوهش‌های مسئولیت اجتماعی در دانشگاه و دانشکده‌های آن‌ها از اهم پیشنهادها کاربردی می‌باشد.

واژگان کلیدی

مسئولیت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، دانشگاه تهران، اعضای هیئت علمی، الگوی والایس.

مقدمه و بیان مسئله

در محیط رقابتی کسب و کار در قرن بیست و یک، سازمان‌ها به منظور توسعه و بازیابی مزیت رقابتی، بیش از پیش به پیاده‌سازی استراتژی مسئولیت اجتماعی، اقبال کرده‌اند. اگرچه بنیان توجه به مسئولیت‌های اجتماعی گرایش فطری به ارزش‌های انسانی و آرمان اخلاق ورزی است؛ مع‌هذا، طی دهه اخیر، مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمانی به گفتمان غالب و حاکم بر حوزه مدیریت سازمان‌ها تبدیل شده است و سازمان‌های بزرگ و معتبر جهانی، مسئولیت در برابر جامعه و محیط اجتماعی را جزئی از استراتژی سازمانی خود می‌بینند. این مفهوم موضوعی است که هم‌اکنون در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی با اقتصاد باز به شدت از سوی تمامی ذی‌نفعان مانند حکومت‌ها، شرکت‌ها، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی دنبال می‌شود، حکومت‌ها به مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها از منظر تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها و همچنین حرکت در جهت توسعه پایدار می‌نگرند. در این سازمان‌ها، مسئولیت اجتماعی باهدف هدایت آن‌ها در راستای کمک به سلامت و رفاه جامعه، به طرق اخلاقی و شفاف، مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، برخی دانشگاه‌ها نیز به مسئولیت اجتماعی به‌عنوان رویکردی برای توسعه پایدار روی آورده و آن را در بیانیه مأموریت خود گنجانده‌اند. اعتقاد بر این است که دانشگاه‌ها می‌توانند با همکاری سازمان‌های داخلی و بین‌المللی و از طریق توسعه سرمایه‌های انسانی به تأثیر سازنده خود بر جامعه بیفزایند. در غیر این صورت، آینده‌ای نخواهند داشت. با تغییر پارادایم توسعه از توسعه اقتصادی به توسعه پایدار، نقش و کارکرد آموزش عالی دچار تحولات اساسی شده است. دیدگاه‌های نوین به سیاست‌های آموزش عالی، منجر به هدف‌گذاری‌های جدید و انتظارات جدیدتر از نقش

دانشگاه‌ها شده است، چنان‌که با ورود به نسل سوم دانشگاه‌ها و ارتباط بیش‌ازپیش آن‌ها با صنعت و جامعه، مسئولانه عمل کردن در قبال جامعه موضوعی است که با گسترش روزافزون اثرگذاری جامعه دانشگاهی بر محورهای تشکیل‌دهنده توسعه پایدار یعنی «اقتصاد»، «جامعه» و «محیط‌زیست» در سال‌های اخیر شدت گرفته است. از منظر رویکرد سیستمی، دانشگاه به‌عنوان یک عنصر اساسی از سیستم اجتماعی کلان محسوب می‌شود؛ بنابراین، اگر به‌صورت یک واحد ایزوله^۵ عمل کند، نتیجه آن انزوای دانشگاه خواهد بود و در سطح کلان نیز نمی‌تواند به صورتی منسجم و یکپارچه فعالیت کند. لذا، ضرورت دارد که دانشگاه‌ها در نقش دوگانه خود، یعنی توجه به نیازهای جامعه و ترویج فرهنگ مسئولیت اجتماعی آن و همچنین تدوین استراتژی مسئولیت اجتماعی در فضای سازمانی خود، کار کنند.

از آنجاکه آموزش عالی از طرفی در محیط و بازار رقابتی کامل، بالغ و متنوع شده است و از سوی دیگر محیط ملی و جهانی آن در تحول ژرف، پدیده و مستمر قرار دارد؛ بنابراین دانشگاه‌ها باید برای رویارویی با چالش‌ها و فرصت‌ها، شکل و ساختار خود را تغییر دهند (برسیا ام و مارینسکو^۶، ۲۰۱۱). دانشگاه‌ها صرفاً فراهم‌کنندگان خدمات آموزشی و پژوهشی نیستند؛ بلکه شکل‌دهنده هویت افراد مسئولیت‌پذیر نسبت به کشور خود و سایر کشورهای جهان نیز هستند (سولیان^۷، ۲۰۰۳). به این منظور، دانشگاه‌ها نقش حیاتی در تلفیق مسئولیت اجتماعی با طراحی و برنامه‌ریزی درسی، پژوهش‌ها و همچنین، ترکیب آن با مأموریت، چشم‌انداز و استراتژی-های دانشگاه دارند (میوژن اچ^۸، ۲۰۰۴)؛ بنابراین، دانشگاه‌ها نقش مهمی را در ایجاد توانایی نسل آینده به‌منظور دستیابی به موفقیت، رویارویی با پدیده جهانی‌شدن و رشد اقتصادی و ساخت آینده‌ای پایدار برای مردم در سراسر جهان ایفاء می‌کنند (ستوپامیس و همکاران^۹، ۲۰۱۱). در این راستا مسئولیت اجتماعی به موضوع محوری بحث‌های تأثیرگذار در مراکز آموزش عالی در قرن بیست و یکم تبدیل شده است (ساواس دیکوسول^{۱۰}، ۲۰۰۹). مباحث یادشده نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی دانشگاه عنصر راهبردی در رهبری دانشگاه است. حال پرسش اصلی این است که چگونه رویکرد مسئولیت اجتماعی، می‌تواند به‌طور اخص در دانشگاه پیاده‌سازی شود؟ یا به عبارتی، دانشگاه چگونه می‌تواند به‌صورت استراتژیک مسئولیت‌های اجتماعی خود را مدیریت کند؟ لازم به ذکر است، امروزه دانشگاه‌ها در انجام مأموریت‌ها و اهداف خود با چالش‌های بسیاری روبرو هستند که موجب شده به‌منظور رویارویی با این چالش‌ها، به رویکرد مسئولیت اجتماعی، توجه نمایند. مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، شروع یک نهضت جدید در ایران است. خوشبختانه دانشگاه تهران مسئولیت اجتماعی را به‌مثابه یک

^۵. isolated

^۶. Burcea, M & Marinescu

^۷. Sullivan

^۸. Muijen, H

^۹. Seto-Pamies et al

^{۱۰}. Sawasdikosol

تعهد ملی برای خود الزام نموده و تأکید بر ارتقای اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در اهداف سه‌گانه سومین برنامه راهبردی پنج‌ساله دانشگاه (۱۳۹۹-۱۳۹۵)، مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، در دانشگاه تهران نیز مانند سایر دانشگاه‌های کشور، تاکنون در جهت تدوین الگوی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، تلاشی صورت نگرفته است. این در حالی است که دانشگاه‌های بسیاری از کشورها، به پیاده‌سازی رویکرد مسئولیت اجتماعی متعهد هستند و متناسب با بستر جامعه‌شان، برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی خود، الگوهایی را طراحی کرده‌اند. لذا، به لحاظ جایگاه ویژه دانشگاه تهران که به‌عنوان دانشگاه مادر و نماد آموزش عالی ایران در کشور شناخته می‌شود، ضرورت توجه آن به مسئولیت اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این راستا، پژوهشی در دانشگاه تهران، باهدف اصلی «بررسی وضعیت موجود دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن از دیدگاه اعضای هیئت علمی» انجام شد. بدین منظور، پس از مطالعه و بررسی مبانی نظری مرتبط، تجارب دانشگاه‌های مختلف دنیا و پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه، نهایتاً بر اساس الگوی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی والایس، وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران بررسی گردید. لازم به ذکر است دانشگاه، در مسیر تدوین و پیاده‌سازی استراتژی مسئولیت اجتماعی خود در رابطه تنگاتنگ با عناصر کلیدی‌اش اعم از: جامعه استادان، دانشجویان، پژوهشگران، کارکنان و مدیرانی است که تعیین‌کننده نقش اساسی دانشگاه به‌عنوان مرکز توسعه انسانی از طریق تدریس، یادگیری و پشتیبانی آن هستند، می‌باشد. تردیدی نیست که ایفای نقش‌های چندگانه دانشگاه، بیش از همه، بر عهده اعضای هیئت علمی، به‌عنوان محوری‌ترین هسته دانشگاه می‌باشد و بر اساس دیدگاه برخی از صاحب‌نظران، اعضای هیئت علمی تقویت‌کنندگان فرهنگ، مهندسان توسعه اقتصادی، تولیدکنندگان علم و کاشفان فناوری می‌باشند که جوامع انسانی را متحول و توسعه علمی، اجتماعی و فرهنگی کشورها را تسریع می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۹۲)، لذا، جامعه هیئت علمی می‌تواند منبع مناسب‌تری برای ارزیابی وضعیت دانشگاه در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن باشد. از این رو، در پژوهش پیشرو که مطالعه شناخت وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن، صورت گرفت؛ به جهت گستردگی عناصر و عوامل دانشگاهی، نظرسنجی بر اساس دیدگاه اصلی‌ترین عنصر تأثیرگذار (اعضای هیئت علمی) در این امر مهم، انجام شد.

ادبیات پژوهش

مسئولیت اجتماعی، مسئولیتی بسیار مهم است که مکمل مسئولیت‌های اخلاقی و قانونی است، مسئولیتی نه فردی، بلکه جمعی می‌باشد که ترویج سازندگی سیاسی را در پی خواهد داشت. درحالی‌که مسئولیت‌های اخلاقی و قانونی بر «اعمال»^{۱۱} ما تسلط و حاکمیت دارند، مسئولیت اجتماعی بر «تأثیرات»^{۱۲} ما بر محیط

^{۱۱}. act

^{۱۲}. impact

اطرافان حکم فرماست؛ یعنی مسئولیت اجتماعی نه تنها بر آنچه نتیجه‌ی کوتاه مدت و محدود دارد حکم فرماست، بلکه با امور حیاتی و نظام مند جهان در ارتباط تنگاتنگ است. زمانی که دریابیم مسئولیت اجتماعی، مسئولیتی است برای تأثیرگذاری‌ها و در حقیقت، تأثیرگذاری‌ها با اقداماتی که انجام می‌دهیم یکسان نیستند، می‌توانیم غنای تئوری و عملی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها را، به‌ویژه در دانشگاه‌ها، کشف کنیم. والایس^{۱۳} (۲۰۰۹)، در این رابطه تمایز میان سه مسئولیت بسیار مهم اخلاقی، قانونی و اجتماعی را به جهت جلوگیری از اشتباه در تحلیل مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و دانشگاه‌ها یک امر فلسفی به‌جا می‌داند، وجوه این تمایز در جدول شماره یک به‌وضوح نمایان است:

جدول ۱: اخلاق سه‌بعدی

اخلاق سه‌بعدی	بعد اول: اخلاق فردی	بعد دوم: اخلاق اجتماعی	بعد سوم: اخلاق انسانی
نوع تعهد	ایمان	عدالت	پایداری
موضوع	فردی (تعهد شخصی)	جمعی (تعهدات بین فردی)	انسانیت (تعهدات فرانسلی)
هدف	اعمال	قوانین	دنیا
چارچوب تعهد	وجدان فردی	نقش قوانین	حکومت بین‌المللی
نوع مسئولیت	مسئولیت اخلاقی	مسئولیت قانونی	مسئولیت اجتماعی
مولد مسئولیت	رنج خود فرد و درد دیگران	اعمال غیرقانونی و بی‌عدالتی	تأثیرات منفی و ناپایداری سیستمی
حالت مقررات	اخلاق‌مداری	قانون	سیاست

(والایس، ۲۰۰۸)

مسئولیت اجتماعی دانشگاه، در مقایسه با مسئولیت اجتماعی دیگر سازمان‌ها، به ویژگی تأثیرات دانشگاهی بستگی دارد که آن‌هم به‌نوبه‌ی خود وابسته است به: آنچه دانشگاه‌ها انجام می‌دهند، با چه کسی انجام می‌دهند، بر چه کسی اثر می‌گذارند و اینکه چگونه در اهداف مسئولیت اجتماعی شرکت می‌کنند؟ که در آن پایداری محلی و جهانی، اجتماعی و محیطی جامعه به‌عنوان یک کل مدنظر می‌باشد. مسئولیت اجتماعی دانشگاهی (USR)^{۱۴} یعنی: «خط‌مشی کیفیت اخلاقی عملکرد جامعه دانشگاهی، از طریق مدیریت مسئول تأثیرات آموزشی، شناختی، سازمانی، کاری و زیست‌محیطی حاصل از دانشگاه در گفتمانی تعاملی با جامعه به‌منظور ترویج و بهبود توسعه انسانی پایدار» (ریزر جی^{۱۵}، ۲۰۰۸). اینکه واقعاً دانشگاه در حال انجام چه کاری است؟ چه چیزی و چه کسی تحت تأثیر آن است؟ نقش اساسی آن در بحران جهانی ناپایداری کنونی سیاره بشر

^{۱۳}. Vallaeys^{۱۴}. university social responsibility^{۱۵}. Reiser J.

چیست؟ آیا در حال تشدید بحران است یا درواقع، پنجره‌های امید و فرصت را پیش‌روی آن باز می‌کند؟ چگونه نابرابری‌های اجتماعی را از طریق هر بخش از دانشجویان جدیدالورود افزایش یا کاهش می‌دهد؟ دانشگاه چگونه می‌تواند عاملی برای تغییر اجتماعی باشد؛ شبکه‌های جدیدی بسازد و ذی‌نفعان اجتماعی خارجی را به‌منظور ساخت دانش و فرآیندهای جدید، برای توسعه پایدار و همه‌جانبه یاری دهد؟ اگر دانشگاه به‌عنوان یک فضای غیرعلنی مشغول به کار باشد، چگونه می‌تواند آموخته‌هایش را آن‌سوی دیوارهایش به عمل درآورد؟ اگر دانشگاه در حال ارتقاء و ترویج دانش و آموزشی است که به‌طورکلی متناسب با بستر جامعه نباشد، چگونه می‌تواند در قلمرو اجتماعی جایگاه خود را استحکام بخشد؟ چه نگرش‌هایی را در پرسنل آکادمیک و غیرآکادمیک خود ترویج می‌بخشد؛ چه ارزش‌هایی را می‌پروراند و چه فرآیندهایی را تشویق می‌کند؟ اگر دانشگاه‌ها قصد دارند مسئولیت اجتماعی را ورای سخنرانی‌های اغراق‌آمیز و پرشکوه و اظهارات اقدام اجتماعی بی‌معنای خود که به‌ندرت بر روال کاری نهادی اثر می‌گذارد، بر عهده بگیرند، باید به سؤالات فوق پاسخ دهند (والایس، ۲۰۰۹).

با توجه به تفاوت در رسالت، اهداف، ارزش‌ها، فرآیندها، سیاست و خط‌مشی‌های سازمان‌های مختلف، ابعاد و مؤلفه‌های «مسئولیت اجتماعی» نیز از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. حال در مورد دانشگاه که مأموریت آموزش، پژوهش و ارائه خدمات حرفه‌ای، تخصصی و اجتماعی را عهده‌دار است؛ به‌علاوه از طریق تربیت نیروهای متخصص و دانشگر بستر توسعه جامعه را نیز فراهم می‌سازد، تمایزی اساسی با سازمان‌ها و بنگاه‌های کسب‌وکار وجود دارد؛ بنابراین به‌کارگیری مدل‌ها و ابعاد عمومی مسئولیت اجتماعی بنگاهی/سازمانی (CSR)^{۱۶}، در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه نمی‌تواند به‌روشنی اهداف، فرآیندها و مأموریت‌های یک دانشگاه را منعکس نماید. این در حالی است که از دانشگاه به‌عنوان ارائه‌دهنده بالاترین سطح آموزش در جامعه (آموزش عالی)، انتظار می‌رود که بیش از هر نهاد دیگری، در تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر بگذارد و در ارتقای بخش‌های مختلف آن بکوشد؛ لذا، دانشگاه‌ها نیاز به یک راهنمای عملی در رابطه با پیاده‌سازی و مدیریت استراتژیک مسئولیت اجتماعی خود دارند. در این راستا، بامطالعه و بررسی مبانی نظری، ابعاد و تجارب مرتبط، به الگوی جامعی دست‌یافتیم که فراتر از سطح تجارب فردی دانشگاه‌ها، قدم گذاشته و قادر است مواردی را پوشش دهد که به‌طورکلی و درمجموع در تجارب دانشگاه‌ها که هریک به بخشی از ابعاد مسئولیت اجتماعی دانشگاه توجه نموده‌اند، نمی‌توان یافت. الگوی مذکور که کاربردی‌ترین و مشهورترین مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است، همچنین از جامعیت لازم برخوردار است، مبتنی بر تأثیرگذاری دانشگاه بر ذی‌نفعان داخلی و خارجی خود می‌باشد، توسط والایس در سال ۲۰۰۸، طراحی شده است. این الگو بر مبنای مدیریت تأثیرات نهادی دانشگاه شکل گرفته و به این موارد که دانشگاه چه تأثیراتی بر محیط و جامعه دارد؟ و این‌که

^{۱۶}.corporation social responsibility

برای ایجاد تأثیرات مثبت از دانشگاه چه باید کرد؟ اشاره دارد. همچنین مزیت و برتری الگوی موردنظر از این لحاظ حائز اهمیت است که به طور اخص، ابعاد و عوامل اصلی مسئولیت اجتماعی دانشگاه را متناسب با بافت و حیطه وظایف و رسالت‌های دانشگاه بیان می‌نماید و قادر است به عنوان راهنمای عملی مؤثری در شناسایی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها، بهبود، پیاده‌سازی و مدیریت آن مورد استفاده قرار گیرد. به تعبیر وازکویز و همکاران (۲۰۱۴) توسعه‌یافته‌ترین الگوی موجود در زمینه مسئولیت اجتماعی دانشگاه، الگوی مبتنی بر تأثیرگذاری است که از منظر کسب‌وکار، موجب اتصال مسئولیت اجتماعی به روشی می‌شود که در آن سازمان‌ها به مدیریت تأثیرات خود بر افراد، جامعه، اقتصاد و طبیعت اطرافشان می‌پردازند. به خصوص مشخص می‌شود که دانشگاه‌ها باعث ایجاد چهار نوع تأثیر مختلف در اطراف خود می‌شوند که عبارت‌اند از: «آموزشی، شناختی، سازمانی و اجتماعی». لازم به ذکر است که تأثیرات آموزشی و شناختی صرفاً از دانشگاه‌ها به مثابه یک سازمان نشئت می‌گیرند؛ درحالی‌که تأثیرات اجتماعی و سازمانی می‌توانند توسط دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های کسب‌وکار ایجاد شوند؛ بنابراین در الگوی مذکور وجه تمایز دانشگاه با دیگر سازمان‌ها در رابطه با مسئولیت اجتماعی نیز لحاظ شده است.

حال آنکه الگوی موردنظر به عنوان یک الگوی جامع و بسیط به طور اخص بر مدیریت چهار نوع تأثیر دانشگاه به شرح زیر تأکید می‌ورزد (شکل ۱):

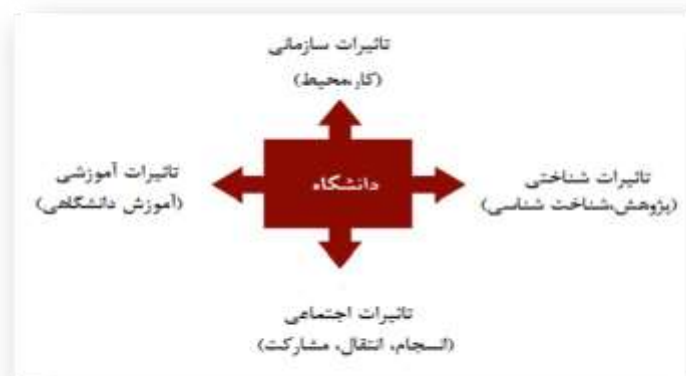
۱. تأثیرات سازمانی درونی که بر جامعه دانشگاهی و محیط تأثیر می‌گذارند (تأثیرات سازمانی^{۱۷})؛
۲. تأثیرات علمی و آکادمیک مربوط به آموزش افراد (تأثیرات آموزشی^{۱۸})؛
۳. تأثیرات علمی و آکادمیک مربوط به دانش‌آفرینی (تأثیرات شناختی^{۱۹})؛
۴. تأثیرات سازمانی بیرونی که به طور کلی بر جامعه اثر می‌گذارند (تأثیرات اجتماعی^{۲۰}).

^{۱۷}. organizational impacts

^{۱۸}. educational impacts

^{۱۹}. cognitive impacts

^{۲۰}. social impacts



شکل ۱: تأثیرات چهارگانه دانشگاه (والایس، ۲۰۰۸)

تأثیرات سازمانی. همانند هر سازمان دیگری، دانشگاه نیز بر زندگی جامعه دانشگاهی خود اعم از کارکنان اداری، اعضای هیئت علمی و دانشجویان اثر می‌گذارد. شیوه‌ای که دانشگاه برای سازمان‌دهی امور عادی خود پیش می‌گیرد نیز تأثیرات زیست محیطی از نظر هدررفت، جنگل‌زدایی، هزینه‌های انرژی، هزینه‌های حمل و نقل و مانند این‌ها دارد. تأثیرات سازمانی هم محیط زیست و هم افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دانشگاه مسئول ردپای محیطی و اجتماعی خود را مورد توجه قرار می‌دهد و از خود می‌پرسد، ارزش‌هایی که ما در فضای دانشگاه روزانه با آن‌ها زندگی می‌کنیم، کدام‌اند؟ چگونه می‌توانیم به شیوه‌ای مسئولانه در فضای دانشگاه زندگی کنیم و برای طبیعت و شأن و رفاه جامعه دانشگاهی اهمیت قائل شویم؟

تأثیرات آموزشی. دانشگاه برای افراد جوان و حرفه‌ای‌ها، آموزش‌هایی تدارک می‌بیند و بر اخلاق، ارزش‌ها و خوانش آن‌ها از جهان و شیوه رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین دانشگاه بر نظام اخلاقی تأثیر دارد و آگاهانه یا ناآگاهانه، اصول اخلاق حرفه‌ای و نقش‌های اجتماعی فردی را نشان می‌دهد. دانشگاه‌های مسئول از خود می‌پرسند که چه نوع از افراد حرفه‌ای و شهروندانی را شکل می‌دهند؟ همچنین، درباره نظام مناسب آموزشی که دانشجویانی مسئول از نظر اجتماعی را پرورش دهد، تأمل می‌کنند. آن‌ها از خود می‌پرسند، ما چه نوع از مردمان و افراد حرفه‌ای را آموزش می‌دهیم؟ چگونه نظام آموزشی خود را ساختار بندی می‌نماییم تا شهروندانی بسازد که برای پایداری بشر اهمیت قائل شوند؟ آیا فارغ التحصیلان ما قادر و مایل خواهند بود که وضعیت بی‌ثبات و نامناسب در حال گذار توسعه جهانی را در مسیر دیگری قرار دهند یا فقط می‌خواهند شغلی پیدا کنند؟

تأثیرات شناختی. دانشگاه‌ها تولید و ترویج دانش را پیش می‌برند و بر تعاریف مواردی که ما عمدتاً با نام حقیقت، علم، عقلانیت، مشروعیت، سودرسانی، آموزش و مانند این‌ها می‌شناسیم، اثر می‌گذارند. آن‌ها

چارچوب‌بندی و مستقل سازی دانش را به واسطه محدود کردن گستره و حوزه هر رشته یا تخصص، ترغیب می‌کنند. آن‌ها با کنترل اجتماعی و تخصیص دانش، رابطه میان علم و تکنولوژی و جامعه را تحکیم و انسجام می‌بخشند. دانشگاه‌های مسئول، درباره نوع دانشی که تولید می‌کنند، ارتباط اجتماعی‌شان و فواید آن از خود سؤال می‌کنند، ما چه دانشی را به چه دلیل و برای چه کسی تولید می‌کنیم؟ ما چه نوع علمی را می‌پرورانیم؟ یک علم آزاد یا علمی که صرفاً در دست نخبگان است؟ شایسته است چه دانشی را تولید کنیم و چگونه می‌توانیم آن را برای رسیدن به کاستی‌های شناختی که مانع توسعه پایدار می‌شوند، انتشار دهیم؟

تأثیرات اجتماعی. دانشگاه یک مرجع اجتماعی است که ممکن است موجب رشد شود؛ سرمایه اجتماعی شود؛ دانشجویان را برای واقعیات دنیای خارج آماده سازد؛ دسترسی به دانش را مهیا کند و مانند این‌ها. در مقابل، دانشگاه ممکن است در را از داخل ببندد و در انتقال دانش بدون ارتباط با چارچوب کاری خود، همانند یک «سلول دانشگاهی» عمل کند. ممکن است بخواهد پیرو آنچه در سطح بین‌المللی انجام می‌شود باشد، یا نسبت به اطراف خود بی‌توجه باشد و یا ممکن است به‌گونه‌ای مستمر به اطراف خود عمیقاً مرتبط و متصل باشد و درصدد حل مسائل ویژه خود برآید. دانشگاه مسئول از خود درباره چگونگی کمک به توسعه اجتماعی و حل مسائل اساسی آن سؤال می‌کند؛ چه نقشی می‌تواند در توسعه جامعه داشته باشد، چرا و با چه کسی؟ دانشگاه چگونه می‌تواند با ارائه تخصص‌های ویژه و کارهای ویژه خود، در پیشرفت اجتماعی نقش داشته باشد و آموزش و دانش را برای مسئولیت اجتماعی محلی ترویج دهد؟ برای کسب مسئولیت اجتماعی محلی باید با چه کسی در ارتباط باشد؟

به تعبیر والایس (۲۰۰۹) چهار تأثیر ذکرشده در فوق دانشگاه‌ها را قادر می‌سازد، به تعریف حوزه‌های چهارگانه‌ای (شکل ۲) بپردازند که دانشگاه از نظر اجتماعی، مسئولیت مدیریت آن‌ها را بر عهده دارد:

۱. محیط دانشگاهی مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی^{۲۱}، (تأثیرات سازمانی)؛

۲. آموزش معتبر و مسئولانه متخصصان و شهروندان^{۲۲}، (تأثیرات آموزشی)؛

۳. مدیریت اجتماعی دانش^{۲۳}، (تأثیرات)؛

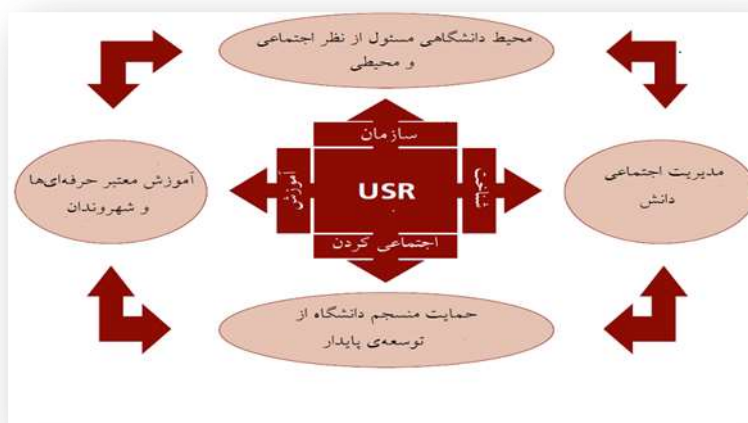
۴. حمایت یکپارچه دانشگاه از توسعه پایدار^{۲۴} (تأثیرات اجتماعی).

^{۲۱}. asocially and environmentally responsible campus

^{۲۲}. the responsible education of professionals and citizens

^{۲۳}. social management of knowledge

^{۲۴}. solidary university supportive of sustainable development



شکل ۲: الگوی مفهومی پژوهش: حوزه‌های مسئولیت اجتماعی در دانشگاه‌ها

واسیسکو و همکاران (۲۰۱۰)، مقاله‌ای را با عنوان «توسعه مسئولیت اجتماعی دانشگاهی: مدلی برای چالش‌های جامعه مدنی نوین»، عرضه داشتند. هدف این مقاله تشریح تغییر رویکرد از مسئولیت اجتماعی سازمانی به سمت مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است، از رهگذار ارائه‌ی یک چهارچوب مفهومی پیرامون مسئولیت اجتماعی و دانشگاه به‌مثابه یک‌گونه‌ی خاص از سازمان، که بایستی همانند دیگر سازمان‌ها خود را با استراتژی مسئولیت اجتماعی وفق دهد تا انتظارات افراد ذی‌نفع (دانشجویان کنونی، دانشجویان آتی، حامیان و غیره) را برآورده سازد. این مقاله از سویی دیگر مدلی عمومی برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی در بستر جهانی‌شدن ارائه می‌نماید و مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاهی مذکور را با در نظر گرفتن واقعیت‌ها و چالش‌های سیستم آموزش عالی در رومانی، بسط و توسعه می‌دهد. جمیل احمد (۲۰۱۲)، پژوهشی با عنوان «آیا دانشگاه می‌تواند به‌عنوان یک راهبر در مسئولیت اجتماعی سازمانی نقش ایفا کند؟» را در مالزی انجام داد. این مقاله درصدد این بود تا ارتباط بین مسئولیت اجتماعی سازمانی (CSR) و ایجاد ظرفیت برای زندگی پایدار را تعیین نماید؛ با این رویکرد که چگونه ذینفعان دانشگاه از قبیل دانشجویان می‌توانند در توسعه مسئولیت اجتماعی سهم به سزایی داشته باشند. در این پژوهش، مسئولیت اجتماعی دانشگاه (USR) میان چهارده موسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی در مالزی بررسی شد. نتایج نشان دادند که درمجموع افراد مورد آزمون از نیاز به حفاظت از محیط‌زیست و از نقشی که مسئولیت اجتماعی سازمانی در توسعه هرچه بیشتر ایجاد یک جامعه پاسخگو و مسئولیت‌پذیر ایفا می‌نماید، آگاهند؛ اما در این راستا با فقدان فعالیت‌هایی از جانب جامعه دانشگاهی، روشن گردید که صرف اطلاع از حفاظت از این موارد، جهت پیشبرد و توسعه مسئولیت اجتماعی از

سوی دانشگاه کافی نمی‌باشد و پیرامون این مسئله راهکارهایی جهت بهبود ارائه گردید. کلودیا لئوناروس و همکاران (۲۰۱۴)، مقاله‌ای را تحت عنوان «سازمان یادگیرنده و مسئولیت اجتماعی در مؤسسات آموزش عالی رومانی» ارائه نمودند. این مطالعه رابطه میان سازمان یادگیرنده و مسئولیت اجتماعی دانشگاه را مورد بررسی قرار داد؛ بدین منظور رابطه سه گروه ذینفعان داخلی را مطالعه نمود: دانشجویان، کارکنان با نقش‌های رهبری، نظارت، ارزیابی و کنترل و همچنین کارکنان درگیر در توسعه برنامه‌های آموزشی؛ ابعاد مختلف سازمان یادگیرنده درجات متفاوتی از ارتباط با مسئولیت اجتماعی دانشگاه را ارائه نمود. این روابط بنا بر عضویت در سازمان رسمی متفاوت است. نتایج این پژوهش نقش دانشگاه‌ها را نه تنها به عنوان سازمان‌هایی که در آن یادگیری و آموزش رخ می‌دهد، بلکه به مثابه سازمان‌های یادگیرنده‌ای که قادر به داشتن دوره مسئولیت اجتماعی در فرایند شکل‌گیری و توسعه حرفه‌ای خود هستند، روشن می‌سازد. خوزه لوئیز وازکوییز و همکاران (۲۰۱۴)، مقاله‌ای را تحت عنوان «آیا دانشجویان از مسئولیت اجتماعی دانشگاه آگاهند؟ برخی دیدگاه‌ها از یک بررسی در دانشگاه اسپانیا» عرضه نمودند. هدف اصلی این مقاله شناسایی عواملی بود که به واسطه آن به تعریف ادراک دانشجویان نسبت به مسئولیت اجتماعی دانشگاه (USR)، پردازد و پیامدهای آن را برای طراحی استراتژی‌های بازاریابی دانشگاه مورد بحث و بررسی قرار دهد. نتایج ارائه شده نشان داد که دانشجویان بین جنبه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی دانشگاه تمایز قائل بوده‌اند، اما تنها یکی از این جنبه‌ها بر برداشت کلی آن‌ها تأثیر گذاشته و آن مورد مدیریت داخلی بود. از منظر بازاریابی دانشگاه، نکات حاصل از نتایج به دست آمده نشان‌دهنده نیاز به کار بیشتر به جهت افزایش مشارکت در اقدامات گسترده مسئولیت اجتماعی دانشگاه و بهبود وضعیت آموزشی دانشجویان در حوزه پایداری و مسئولیت اجتماعی بود؛ که به منظور دستیابی به استانداردهای بالاتری از کیفیت، رضایت و اعتبار دانشگاه، حائز اهمیت می‌باشد. سراپ آتاکان و توتکو اکر (۲۰۱۴)، پژوهش خود را با عنوان «هویت سازمانی یک دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی: یک مطالعه موردی در زمینه‌ی بخش آموزش عالی ترکیه» عرضه نمودند. این مطالعه به تشریح طرح‌های مسئولیت اجتماعی در یکی از مؤسسات آموزش عالی ترکیه می‌پردازد. اصلی‌ترین یافته در این پژوهش این بود که فعالیت‌های بشردوستانه یکی از عناصر اصلی برنامه هویت سازمانی دانشگاه استانبول است و این دانشگاه دارای انگیزه‌های نوع‌دوستانه برای طرح‌های مسئولیت اجتماعی خود می‌باشد؛ یافته‌های این پژوهش جهت پیاده‌سازی مسئولیت اجتماعی در سایر دانشگاه‌ها حائز اهمیت می‌باشد. محمد علا تگ الدین (۲۰۱۵)، مقاله خود را با عنوان «چارچوبی برای مسئولیت اجتماعی و پایداری دانشگاه: مورد مطالعه دانشگاه سوئد» ارائه نمود. هدف این مطالعه ایجاد یک چارچوب برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی و پایداری، با تمرکز بر دانشگاه سوئد ولی به عنوان مطالعه موردی در دانشگاه‌های مصر بود. چارچوب پیشنهادی، مسئولیت اجتماعی را با مدیریت استراتژیک از طریق حفظ و پایداری چشم‌انداز، اهداف، ارزش‌ها، مأموریت‌ها و سیستم‌های مدیریتی، تحلیل مسائل سیاسی، ممانعت از اقدامات، ارزیابی خدمات و پیشرفت همکاری‌های اجتماعی با ذینفعان برای رفع نیازهای حال و آینده جامعه و

محیط زیست تلفیق می نمود؛ چارچوب پیشنهادی ذینفعان را نیز شامل می شد به طوری که با ذینفعان متفاوت اعم از داخلی و خارجی مرتبط بود. شیوه مطالعه در این پژوهش کیفی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که این دانشگاه، مسئولیت و پایداری اجتماعی را در برنامه های استراتژیک خود لحاظ نموده و در این زمینه دارای خط مشی ها و فعالیت هایی است؛ اما فاقد ساختار و بودجه بندی مناسب است که در این راستا پیشنهادهایی را جهت بهبود عرضه می دارد؛ لذا چارچوب پیشنهادی در این پژوهش می تواند برای محققین و تصمیم گیرندگان دانشگاه های مصر ارزشمند باشد.

ازجمله پژوهش های مسئولیت اجتماعی دانشگاهی در ایران پژوهش محمد اصلاحی، رحیم قوی و دکتر میر محمد سید عباس زاده (۱۳۹۲) است که مقاله ای با عنوان «تبیین رابطه بین فرهنگ سازمانی و نگرش به مسئولیت اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه» ارائه نمودند. هدف این پژوهش، بررسی پیش بینی پذیری نگرش به مسئولیت اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه به واسطه فرهنگ سازمانی بود؛ نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که نگرش به مسئولیت اجتماعی اعضای هیئت علمی به واسطه فرهنگ سازمانی بر اساس ابعاد هافستد پیش بینی پذیر است. همچنین محمد اصلاحی و سید میر محمد عباس زاده (۱۳۹۲)، مقاله ای با عنوان «بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه» عرضه داشتند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه بود. یافته ها حاکی از آن بود که ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی می توانند عناصر سرمایه اجتماعی را به طور مثبت و معنی دار پیش بینی کنند. نعمت اله عزیزی و رضا شافعی (۱۳۹۲)، مقاله ای با عنوان «مطالعه وضعیت مسئولیت پذیری اجتماعی سازمانی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی غرب کشور (طراحی یک الگوی ارزیابی)» ارائه نمودند. این پژوهش باهدف ارزیابی مسئولیت پذیری اجتماعی در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه ها و پیشنهاد یک الگو برای سنجش آن انجام گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که دانشگاه های مورد بررسی در بحث حمایت های اقتصادی و زیست محیطی از جامعه، امتیازی در سطح اهمال کسب نموده اند. به عبارت بهتر دانشگاه های مورد مطالعه در میزان مسئولیت پذیری اجتماعی نسبت به سایر دانشگاه های برتر دنیا تفاوت معنی داری را دارند. در بخش مدل پیشنهادی نشان داده شد که عناصر مربوط به تبعات اجتماعی و اقتصادی مسئولیت پذیری، بیشترین امتیاز را برای سنجش این مفهوم در دانشگاه ها کسب نموده اند. محمد اصلاحی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی الگوی علی روابط بین ارزش های فرهنگی، مدیریت دانش و ارتقای مسئولیت اجتماعی میان اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه» در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ پرداخت. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه ی علی بین ارزش های فرهنگی و مدیریت دانش و ارتقای مسئولیت اجتماعی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه بود. نتایج معادلات ساختاری نشان داد که میان ارزش های فرهنگی و مدیریت دانش و همچنین میان ارزش های فرهنگی و ارتقای مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ درعین حال با میانجی گری مدیریت دانش نیز میان ارزش های فرهنگی و

مسئولیت اجتماعی اعضای هیئت علمی رابطه وجود دارد. سید محمد میر محمدی و هادی رجایی (۱۳۹۳)، مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه رهبری تحول‌آفرین و مسئولیت اجتماعی سازمان» ارائه نمودند. هدف این پژوهش بررسی رابطه رهبری تحول‌آفرین و مسئولیت اجتماعی سازمان در شهرداری تهران بود که با استفاده از روش پیمایشی صورت گرفت؛ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد میان رهبری تحول‌آفرین (نفوذ آرمانی، ترغیب فرهیختگی، انگیزش الهام‌بخش و ملاحظات فردی) و مسئولیت اجتماعی سازمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاری در سازمان باشد. عبدالحمید ثابتی (۱۳۹۰)، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی میزان توجه به شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در رشته‌های فنی و مهندسی» ارائه داده است. تحقیق حاضر در راستای ارتباط بین دانشگاه، صنعت و جامعه به بررسی میزان توجه به شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در رشته‌های فنی و مهندسی می‌پردازد. به عبارت دیگر از یک طرف، این تحقیق به بررسی میزان توجه به شاخص‌های مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت در دانشگاه فنی و مهندسی پرداخته و از طرف دیگر، میزان احساس نیاز به این شاخص‌ها را در بخش‌های صنعتی مورد پژوهش قرار داده است. نتایج پژوهش نشان داد که در توجه به شاخص‌های آگاهی از برنامه‌های آموزشی و آگاهی از جامعه، دانشگاه توانسته است به احساس نیاز بخش صنعت، بطور مطلوبی پاسخ دهد؛ اما در توجه به شاخص‌های آگاهی از مفاهیم حفاظت محیط‌زیست، آگاهی از شرایط کاری مناسب بر اساس قوانین ملی و استانداردهای جهانی و آگاهی از عدم تبعیض در فرایندها و توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر، دانشگاه نتوانسته است به احساس نیاز بخش صنعت در ارتباط با این شاخص‌ها بطور مطلوبی پاسخ بدهد.

علیرغم اهمیت و ضرورت مسئولیت اجتماعی دانشگاهی که پیش‌تر به آن اشاره شد، متأسفانه در دانشگاه‌های ایران، به پیاده‌سازی رویکرد مسئولیت اجتماعی توجه چندانی نشده و به منظور تدوین الگوی مناسب عملی، در این رابطه تلاش خاصی صورت نگرفته است. صرفاً، در برخی پژوهش‌ها به مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها توجه شده که آن‌ها نیز از مدل‌های عمومی مسئولیت اجتماعی سازمانی، بدون توجه به وجه تمایز دانشگاه با دیگر سازمان‌ها، بهره برده‌اند. این در حالی است که همان‌طور که دانشگاه‌های بسیاری از کشورها، به پیاده‌سازی رویکرد مسئولیت‌پذیری متعهد هستند و متناسب با بستر جامعه‌شان، برای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی خود، الگوهایی را طراحی کرده‌اند. لذا، به لحاظ جایگاه ویژه دانشگاه تهران که به عنوان **دانشگاه مادر و نماد آموزش عالی ایران** در کشور شناخته می‌شود، ضرورت توجه آن به مسئولیت اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین، طی پژوهشی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران مطالعه گردید. برای نیل به هدف اصلی پژوهش، سؤالات زیر مطرح شد:

۱. وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی چگونه می‌باشد؟

۲. وضعیت موجود دانشگاه در رابطه با هریک از مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی آن چگونه می‌باشد؟

۳. وضعیت اقدامات اعضای هیئت علمی در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه چگونه می باشد؟

۴. راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه کدامند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش پیش رو، به لحاظ ماهیت و هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری داده ها توصیفی - پیمایشی است؛ همچنین در زمره مطالعات موردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشکده های واقع در شهر تهران «دانشگاه تهران» می باشد که به طور تمام وقت در این دانشگاه مشغول تدریس، پژوهش و مشاوره تخصصی می باشند. بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود در معاونت برنامه ریزی و فناوری اطلاعات دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، در مجموع تعداد آن ها ۱۵۹۳ نفر عضو هیئت علمی است که با استفاده از روش نمونه گیری چندمرحله ای و تصادفی و اعمال فرمول کوکران، نمونه ای به حجم ۱۳۸ نفر انتخاب گردید. به منظور نظرسنجی اعضای محترم هیئت علمی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، از ابزار استاندارد مبتنی بر الگو (پرسشنامه سنجش مسئولیت اجتماعی دانشگاهی والایس، ۲۰۰۹)، بهره گرفته شد. به منظور بررسی روایی و اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه، از نظر متخصصان استفاده شد. همچنین از طریق محاسبه آلفای کرونباخ (۹.۷ درصد) قابلیت اعتماد ابزار به دست آمد. شایان ذکر است، به وسیله این ابزار، سنجش دیدگاه اعضای هیئت علمی در چهار حوزه «دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی، آموزش معتبر و مسئولانه متخصصان و شهروندان، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت یکپارچه دانشگاه از توسعه پایدار» صورت گرفت و نتایج بر این اساس تحلیل گردید.

یافته های پژوهش

این پژوهش دارای ۱۳۸ نفر نمونه آماری بود که ۶۷/۶ درصد آن ها مرد و ۳۱/۷ درصد آن ها نیز زن بودند. درواقع نسبت مردان تقریباً دو برابر زنان بود. از حیث سن ۳۸/۸ درصد افراد در بازه سنی ۴۰ سال و پایین تر بوده و ۳۴/۵ درصد اعضاء نمونه در محدوده سنی ۴۰ تا ۴۹ سال قرار داشتند و ۳۶ درصد از اعضاء نمونه در محدوده سنی ۵۰ سال و بیشتر بودند. همچنین، ۳۹/۶ درصد اعضاء دارای سنوات خدمت ۱ تا ۱۰ سال، ۲۵/۹ درصد در دوره خدمتی ۱۱ تا ۲۰ سال قرار داشتند و ۳۳/۸ درصد اعضاء نیز سابقه خدمت ۲۱ سال و بیشتر را داشتند. از نظر رتبه علمی نیز استادان دارای رتبه علمی استادیار بیشترین نسبت (۴۱ درصد) را داشتند و ۵۲/۵ درصد نیز رتبه علمی دانشیار و استاد بودند و فقط ۵/۸ درصد رتبه علمی مربی را داشتند. بعلاوه از نظر دانشکده ای محل خدمت ۳۶/۶ درصد عضو دانشکده فنی و مهندسی، ۱۳/۷ درصد علوم پایه و ۳۸/۱ درصد از علوم انسانی و ۲۰/۹ درصد از دانشکده علوم اجتماعی بودند.

برای مطالعه وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه و هر یک از مؤلفه های آن از آزمون χ^2 تک نمونه ای استفاده گردید.

جدول ۲: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیر مسئولیت اجتماعی دانشگاه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری (۲-tailed)	تفاوت میانگین‌ها
مسئولیت اجتماعی دانشگاه	۳.۲۴	۰.۶۳۸	-۴.۷۲۴	۱۳۷	۰.۰۰۰	-۰.۲۵۶

با توجه به نتایج منعکس شده در جدول بالا، میانگین مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران معادل ۳.۲۴ می باشد که با توجه به مقدار t محاسبه شده (-۴.۷۲۴) و با درجه آزادی ۱۳۷ و سطح معنی داری (۰.۰۰۰) می توان با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفت که فرض صفر رد می شود. درواقع، بین میانگین محاسبه شده و میانگین فرضی برای مسئولیت اجتماعی دانشگاه تفاوت معنی داری وجود دارد همچنین پایین بودن مقدار میانگین به دست آمده در مقایسه با میانگین فرضی مؤید آن است که این میزان کمتر از حد مطلوب می باشد.

بنابراین وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی در سطحی نه چندان مطلوب قرار می گیرد.

جدول ۳: شاخص های توصیفی، نتایج آزمون t تک نمونه ای حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه

ارزش آزمون=۳.۵						
حوزه های مسئولیت اجتماعی دانشگاه	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری (۲-tailed)	تفاوت میانگین ها
دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست محیطی	۳/۲۴	۰/۶۶۷	-۴/۵۶۱	۱۳۷	۰.۰۰۰	-۰/۲۵۹
آموزش مسئولانه و معتبر حرفه ای ها و شهروندان	۳/۳۶	۰/۶۸۳	-۲/۳۷۷	۱۳۷	۰/۰۱۹	-۰/۱۳۸
مدیریت اجتماعی دانش	۲/۹۹۴	۰/۸۱۹	-۷/۲۴۲	۱۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۵۰۵

۳/۳۷۵	۰/۷۷۹	-۱/۸۷۵	۱۳۷	۰/۰۶۳	-۰/۱۲۴
مشارکت اجتماعی و حمایت منسجم دانشگاه از توسعه پایدار					

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، نتایج اجرای آزمون t ، برای حوزه‌های دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی (۴/۵۶-)، آموزش مسئولانه و معتبر حرفه‌ای و شهروندی (۲/۳۷-)، مدیریت اجتماعی دانش (۷/۲۴-) و مشارکت اجتماعی و حمایت منسجم دانشگاه از توسعه پایدار (۱/۸۷-) می‌باشد. محاسبات مؤید آن است که در سطح معنی‌داری و درجه آزادی محاسبه‌شده مربوط به هریک از آن‌ها، میانگین کلیه حوزه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه دارای تفاوت معنی‌داری با میانگین فرضی می‌باشد. همچنین، بررسی تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که همه میانگین‌ها از مقدار متفاوت منفی برخوردارند یعنی وضعیت همه حوزه‌ها پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد؛ بنابراین وضعیت کلیه حوزه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اساس دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تهران در وضعیت نه‌چندان مطلوب برآورد شده است. بیان این مطلب حائز اهمیت است که در میان حوزه‌های مذکور، مدیریت اجتماعی دانش با میانگین ۲/۹۹ دارای کمترین مقدار می‌باشد. همچنین وضعیت موجود اقدامات اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن، از طریق آزمون t تک نمونه‌ای موردبررسی و تبیین قرار داده شد. در ادامه به ارائه نتایج و بررسی آن می‌پردازیم.

جدول ۴: نتایج اجرای آزمون t برای موارد اقدامات اعضای هیئت‌علمی در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه

ارزش آزمون = ۳/۵						
موارد اقدامات	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری (۲-tailed)	تفاوت میانگین‌ها
به‌روزرسانی و ساختاربندی نظام آموزشی متناسب با نیازهای جامعه	۳/۵۷	۰/۸۳۱	۱/۲۵۲	۱۳۷	۰/۲۱۳	۰/۰۷۷
آموزش اخلاق مدنی و پرورش دانشجویان مسئول	۳/۳۹	۰/۸۵۴	-۱/۳۹۴	۱۳۷	۰/۱۶۵	-۰/۱۰۱
همکاری و ارتباطات مؤثر درون و برون‌سازمانی	۳/۲۱	۰/۹۵۴	-۳/۵۲۱	۱۳۷	۰/۰۰۱	-۰/۲۸۶
توجه به توسعه جامعه	۲/۸۳	۱/۰۷۷	-۷/۲۶۶	۱۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۶۶۶
ارتباط مؤثر با ذینفعان جامعه	۳/۰۷	۰/۹۵۰	-۵/۳۱۶	۱۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۹
تقریب روحیه پژوهشگری در دانشجویان	۳/۴۵	۰/۸۲۹	-۰/۶۵۰	۱۳۷	۰/۵۱۷	-۰/۰۴۵

۰/۱۷۰	۰/۰۰۲	۱۳۷	-۳/۱۳۹	۰/۶۳۸	۳/۳۲	اقدامات مرتبط با مسئولیت اجتماعی دانشگاه
-------	-------	-----	--------	-------	------	--

همان‌طور که در جدول ۴ آمده است، نتایج اجرای آزمون t برای اقدامات اعضای هیئت‌علمی در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه بدین ترتیب محاسبه شده است: به‌روزرسانی و ساختاربندی نظام آموزشی متناسب با نیازهای جامعه (۱/۲۵)، آموزش اخلاق مدنی و پرورش دانشجویان مسئول (۱/۳۹-)، همکاری و ارتباطات مؤثر درون و برون‌سازمانی (۳/۵۲-) توجه به توسعه جامعه (۷/۲۶-)، ارتباط مؤثر با ذینفعان جامعه (۵/۳۱۶-)، تقویت روحیه پژوهشگری در دانشجویان (۰/۶۵۰-)، این مقادیر مؤید آن است که در سطح معنی‌داری محاسبه شده هر یک از آن‌ها و درجه آزادی مربوطه، وضعیت کلیه موارد اقدامات، دارای تفاوت معنی‌داری با میانگین فرضی می‌باشند. همچنین، بررسی تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که همه میانگین‌های موارد فوق به‌جز مورد «به‌روزرسانی و ساختاربندی نظام آموزشی متناسب با نیازهای جامعه» از مقدار متفاوت منفی در مقایسه با میانگین فرضی برخوردارند یعنی همه آن‌ها پایین‌تر از متوسط هستند و تنها این مورد در حد متوسط هست؛ بنابراین وضعیت کلیه موارد اقدامات اعضای هیئت‌علمی در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه بر اساس دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تهران در سطح نه‌چندان مطلوب برآورد شده است. در این میان، مورد «به‌روزرسانی و ساختاربندی نظام آموزشی متناسب با نیازهای جامعه» با میانگین ۳/۵۷ دارای مقدار متوسط و توجه به توسعه جامعه با میانگین ۲/۸۳ دارای کمترین مقدار می‌باشد. همچنین به‌منظور بررسی تأثیر رتبه علمی و دانشکده محل خدمت در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده و مشخص گردید که تفاوت معناداری میان سطوح مختلف رتبه علمی و متغیر مسئولیت اجتماعی وجود ندارد. همچنین بین مسئولیت اجتماعی در دانشکده‌های مختلف محل خدمت اعضای هیئت‌علمی تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه به‌مثابه سازمان، نقش کلیدی در جامعه، متمایز از سازمان‌های دیگر فراخور اهداف، وظایف، مسئولیت‌ها و فرآیندهایش ایفا می‌کند. تربیت مدیران، کارآفرینان، نیروی انسانی متخصص، شهروندان اثرگذار و ... از اهم این وظایف هست؛ بنابراین، مشارکت‌های گروهی در بخش‌های دولتی و خصوصی جامعه و توسعه هرچه بیشتر مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها از محورهای مسئولیت اجتماعی دانشگاهی است. لذا، دانشگاه‌ها باید به شکل‌گیری پایگاه و نظام مسئولیت اجتماعی خود اهتمام ورزند تا این مشارکت به نحو احسن صورت گیرد. درواقع، دانشگاه‌ها هستند که می‌توانند ارائه‌دهنده راهکارهایی برای چالش‌های فعلی دنیای امروز باشند. این مسئله نتیجه پدیده جهانی شدن است که لازمه آن تمرکز بیش‌ازپیش دانشگاه‌ها بر گرایش برنامه‌های طراحی شده آن‌ها برای حل مشکلات جهانی و منطقه‌ای می‌باشد. دانشگاه تهران نیز از این قاعده مستثنا نیست و به‌منظور

رفع کمبودها و نارسایی‌های خود در این رابطه، باید اقداماتی اساسی صورت دهد. هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی بوده است. نتایج تحلیل یافته‌های مربوط به بررسی وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی گویای این مطلب است که وضعیت موجود دانشگاه تهران در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن چندان رضایت‌بخش و مطلوب نیست. لازم به ذکر است این وضعیت در دانشکده‌های مختلف یکسان و مشابه بوده است. نتیجه مربوط به هدف پژوهش پیش‌رو با یافته‌های تحقیقات عزیزی و شافعی (۱۳۹۲)، اصلاحی (۱۳۹۲)، جمیل احمد (۲۰۱۲)، ثابتی (۱۳۹۰) و خوزه لوئیس وازکوئیز و همکاران (۲۰۱۴)، همخوانی و مطابقت دارد. در مجموع، این تحقیقات نشان می‌دهند که دانشگاه‌های مورد مطالعه در زمینه حمایت‌های زیست‌محیطی، تلاش برای ایجاد شرایط کاری مناسب در اجتماع، توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر، اهتمام در توسعه حرفه‌ای کارکنان آموزشی و مانند این‌ها عملکرد مناسبی نداشته‌اند. به بیان شفاف‌تر دانشگاه‌های مورد مطالعه در حد قابل قبول به مسئولیت اجتماعی خود عمل نکرده‌اند؛ اما در مقابل با نتایج پژوهش‌های محمدعلا تگرگ‌دانه (۲۰۱۵) و سراپ آتاکان و توتکو اکر (۲۰۱۴)، مطابقتی ندارد؛ زیرا دو دانشگاه مورد مطالعه پژوهش‌های فوق پایبندی به مسئولیت اجتماعی را در برنامه استراتژیک و انگیزه‌های کاری خود لحاظ نموده‌اند. والایس و همکاران (۲۰۰۸)، اذعان نموده‌اند، مسلماً دانشگاه‌ها نمی‌توانند مستقل از تفکرات مربوط به مسئولیت اجتماعی و توسعه پایداری باشند که در سال‌های اخیر از بسیاری از سازمان‌ها برداشت شده است. این مهم فقط شامل شرکت‌ها و بنگاه‌ها نمی‌شود؛ بلکه دانشگاه در این باره نقش کلیدی بر عهده دارد (وازکوئیز، ۲۰۱۳). با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و همچنین، نتایج پژوهش‌های مرتبط و مبانی نظری می‌توان چنین استنباط نمود که دانشگاه مورد مطالعه در زمینه مسئولیت اجتماعی وضعیت عملکردی چندان مطلوبی ندارد. نتایج تحلیل یافته‌ها مربوط به وضعیت موجود دانشگاه در رابطه با هریک از حوزه‌های مسئولیت اجتماعی آن به شرح زیر می‌باشد:

حوزه اول: دانشگاه مسئول به لحاظ زیست‌محیطی و اجتماعی

نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها، مؤید آن است که وضعیت موجود دانشگاه مورد مطالعه در رابطه با مؤلفه دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی در سطح نه‌چندان مطلوبی قرار دارد. همچنین بین وضعیت دانشکده‌های مختلف در رابطه با این حوزه تفاوتی مشاهده نشد. نتیجه مذکور با یافته‌های تحقیق نعمت‌الله عزیزی و رضا شافعی (۱۳۹۲)، عبدالحمید ثابتی (۱۳۹۰) مطابقت دارد. یافته‌های پژوهش عزیزی و شافعی (۱۳۹۲)، نشان داده است که دانشگاه‌های مورد بررسی در بحث حمایت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی از جامعه، امتیازی در سطح اهمال کسب نموده‌اند. به عبارت دیگر، دانشگاه‌های مورد مطالعه در میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسبت به سایر دانشگاه‌های برتر دنیا تفاوت معناداری را دارند. به علاوه پژوهش ثابتی (۱۳۹۰)، نیز نشان داده است که اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری به شاخص‌های آگاهی از مفاهیم حفاظت از محیط

زیست، آگاهی از شرایط کاری مناسب بر اساس قوانین ملی و استانداردهای جهانی و آگاهی از نبود تبعیض در فرایندها و توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر به‌طور معناداری اهمیت کم‌تری قائل شده‌اند. دانشگاه هم محیط‌زیست و هم افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دانشگاه مسئول، با ردپای محیطی و اجتماعی آن در نظر گرفته می‌شود. ارزش‌هایی که ما در فضای دانشگاه روزانه با آن‌ها زندگی می‌کنیم کدام‌اند؟ چگونه می‌توانیم به شیوه‌ای مسئولانه در فضای دانشگاه زندگی کنیم و برای طبیعت و شأن و رفاه جامعه دانشگاهی اهمیت قائل شویم؟ (والایس، ۲۰۰۸). آلزیود و بانی هانی نیز به نقل از واسیلسکو و همکاران (۲۰۱۵)، اشاره می‌کنند که ترویج تعهد زیست‌محیطی یا محیط‌زیستی برای توسعه پایدار منطقه‌ای و جهانی؛ توسعه منابع انسانی منطقه‌ای و جهانی؛ بسط دانش بشری از طریق آموزش و پژوهش باکیفیت برای ملت و جامعه بشریت یکی از حوزه‌ها و ضرورت‌های مطرح برای دانشگاه‌ها در رابطه با مسئولیت اجتماعی آنان است (آلزیود و بانی هانی، ۲۰۱۵)؛ بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که باوجود اینکه مسئول بودن دانشگاه به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در رسالت دانشگاه‌هاست؛ اما با توجه به یافته‌های تحقیق و سایر پژوهش‌های مشابه انجام‌شده، دانشگاه تهران در این زمینه وضعیت چندان مطلوبی ندارد و بایستی ملاحظات مربوط و مناسب شناسایی و موردتوجه قرار گیرد.

حوزه دوم: آموزش معتبر و مسئولانه حرفه‌ای و شهروندی

نتایج مربوط به تحلیل یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که از دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه تهران وضعیت موجود در دانشگاه از نظر آموزش معتبر و مسئولانه شهروندان و حرفه‌ای‌ها، چندان مناسب و مطلوب نمی‌باشد؛ به‌علاوه وضعیت دانشکده‌های مختلف در این رابطه یکسان می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های تحقیق جمیل احمد (۲۰۱۲) و عبدالحمید ثابتی (۱۳۹۰)، همخوانی و مطابقت دارد؛ اما با یافته‌های تحقیق سراپ آتاکان و توتکو اکر (۲۰۱۴)، متفاوت می‌باشد. جمیل احمد (۲۰۱۲)، در پژوهش خود بیان نموده است که صرفاً اطلاع از وظایف دانشگاهی در زمینه‌های مختلف اجتماعی کفایت نمی‌کند و برای رفع این فقدان فعالیت‌های کارآمد از جانب جامعه دانشگاهی جهت پیشبرد و توسعه مسئولیت باید راهکارهایی در رابطه با بهبود در نظر گرفته شود. دلیل متفاوت بودن نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیق سراپ آتاکان و توتکو اکر، می‌تواند ناشی از عملکرد موفق دانشگاه استانبول در رابطه با مسئولیت اجتماعی آن باشد. دانشگاه در بحث آموزش افراد به‌عنوان شهروندان، متخصصان، مدیران و مانند این‌ها نقش کلیدی دارد (وازکوییز، ۲۰۱۳). مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها وظیفه خطیر انسان‌سازی و تحویل شهروندان مطلوب به جامعه را بر عهده دارند و از مهم‌ترین سازمان‌های موجود در یک جامعه به‌حساب می‌آیند و مسئولیت سنگینی در رابطه با این موضوع بر عهده دارند (بویر، ۱۹۹۰). هاپنین و همکاران (۲۰۱۱)، مطرح می‌کنند که آموزش عالی بایستی رهبرانی را آموزش دهند که به لحاظ اجتماعی مسئولانه رفتار کنند و به تغییرات مداوم محیط پویا به‌وسیله محدودیت‌های قانونی و اصول اخلاقی واکنش نشان دهند (هاپنین و همکاران، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، از یک‌سو با توجه به یافته‌های پژوهش پیشرو

و سایر پژوهش‌های مرتبط و با نظر به آموزه‌های نظری و مطرح‌شده توسط متخصصان، نتیجه‌گیری می‌شود که علی‌رغم اهمیت بالای این حوزه در رابطه با مسئولیت اجتماعی دانشگاه، عملکرد دانشگاه چندان مطلوب و قابل توجه نبوده است؛ بنابراین، به‌منظور آموزش فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، شهروندان و حرفه‌ای‌ها غنی‌سازی محیط یادگیری دانشگاه، انجام پژوهش‌های اثربخش و مدیریت ارتباط مؤثر دانشگاه با جامعه ازجمله نقش‌هایی است که باید موردتوجه قرار گیرد.

حوزه سوم: مدیریت اجتماعی دانش

در رابطه با مؤلفه مدیریت اجتماعی دانش، نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها، مؤید آن است که از دیدگاه اعضاء هیئت‌علمی، وضعیت موجود در دانشگاه مورد مطالعه در سطح نه‌چندان مطلوبی قرار دارد. همچنین، اعضاء هیئت‌علمی با رتبه‌های علمی مختلف و همچنین از دانشکده‌های متفاوت در این زمینه دارای دیدگاه مشابهی هستند. نتیجه مذکور با یافته‌های پژوهش‌های اصلاحی (۱۳۹۲)، ثابتی (۱۳۹۰) و خوزه لوئیس وازکوییز و همکاران (۲۰۱۴)، مطابقت دارد. یافته‌های پژوهش خوزه لوئیس وازکوییز و همکاران نشان داده است، دانشگاه‌ها برای افزایش مشارکت در اقدامات گسترده مسئولیت اجتماعی دانشگاه و بهبود وضعیت آموزشی نیاز به تولید و انتشار دانش بیشتری دارند. پژوهش اصلاحی (۱۳۹۲)، نیز بر رابطه مدیریت دانش و مسئولیت اجتماعی دانشگاه تأکید نموده است. بدین معنا که دانشگاه از طریق مدیریت صحیح دانش می‌تواند در راستای مسئولیت اجتماعی خود عمل نماید. ویلیامز (۲۰۰۸)، مسئولیت دانشگاه را فراتر از توجه به محیط درون‌سازمانی خود بیان می‌کند و توجه به جامعه وسیع و پهن‌تر را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این راستا، کلودیا لئوتاروس و همکاران (۲۰۱۴)، نقش دانشگاه‌ها را نه‌تنها به‌عنوان سازمان‌هایی که در آن یادگیری و آموزش رخ می‌دهد، می‌دانند؛ بلکه به‌عنوان سازمان‌های یادگیرنده‌ای که می‌توانند عرصه مسئولیت اجتماعی در ایجاد و توسعه حرفه‌ای داشته باشند را مورد تأکید قرار می‌دهند (کلودیا لئوتاروس و همکاران، ۲۰۱۴)؛ بنابراین، با توجه به مجموع مباحث فوق و همچنین نتایج تحقیق حاضر و یافته‌های تحقیقات مشابه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اولاً مدیریت اجتماعی دانش ازجمله جنبه‌های بسیار مهم مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌هاست؛ چراکه این موضوع به صورت مختلف از سوی صاحب‌نظران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موردتوجه و تأکید قرار گرفته است. دوم این‌که علی‌رغم این‌که این جنبه نوعاً در مقایسه با سایر جنبه‌ها مشهودتر است، اما در عمل مغفول مانده است؛ به‌نحوی که این مسئله در مورد وضعیت موجود دانشگاه تهران نیز چندان مطلوب نمی‌باشد. البته توجه به این امر حائز اهمیت می‌باشد که این نتیجه بیانگر آن نیست که اقدام مناسبی در زمینه مدیریت اجتماعی دانش در دانشگاه مورد مطالعه صورت نمی‌گیرد؛ بلکه بیشتر بیانگر آن است که زمینه و بستر لازم وجود دارد و ضروری است تا جریان موجود با استفاده از راهبردهای منطقی تقویت گردد.

حوزه چهارم: مشارکت اجتماعی و حمایت یکپارچه از توسعه پایدار

نتایج حاصل از یافته‌های این بخش، مؤید آن است که بر اساس دیدگاه اعضاء هیئت علمی، وضعیت موجود در دانشگاه تهران در رابطه با مشارکت اجتماعی و حمایت از توسعه پایدار آن در سطحی نه‌چندان مطلوب است. به‌علاوه، میان دیدگاه‌های اعضاء نمونه با رتبه‌های علمی مختلف و همچنین، از دانشکده‌های متفاوت، تفاوتی وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های عزیزی و شافعی (۱۳۹۲)، جمیل احمد (۲۰۱۲) و ثابتی (۱۳۹۰)، همخوانی و مطابقت دارد؛ اما این نتیجه با یافته‌های تحقیق محمدعلا تگ‌الدین (۲۰۱۵)، مطابقتی ندارد؛ این تفاوت ناشی از آن است که دانشگاه مورد مطالعه در پژوهش فوق، مسئولیت و پایداری اجتماعی را در برنامه‌های استراتژیک خود لحاظ نموده و در این زمینه، دارای خط‌مشی‌ها و فعالیت‌هایی است؛ اما یافته‌های پژوهش‌های عزیزی و شافعی (۱۳۹۲)، ثابتی (۱۳۹۰) و جمیل احمد (۲۰۱۲)، نشان داده است که دانشگاه‌های مورد بررسی در زمینه ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی مانند حمایت‌های زیست‌محیطی از جامعه، مسئولیت پذیری برای توسعه جامعه عملکرد ضعیفی داشته‌اند.

بنابراین، حوزه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی اعم از: «دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی، آموزش معتبر و مسئولانه شهروندی و حرفه‌ای، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت از توسعه پایدار»، در دانشگاه مورد مطالعه، چندان مورد مذاقه واقع نشده است. همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر گردید، وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران در قالب ابعاد چهارگانه الگو، به صورتی است که با چالش‌ها و نارسایی‌هایی مواجه است. درواقع، بر اساس دیدگاه اعضاء هیئت علمی، تمامی ابعاد چهارگانه الگو در حوزه‌های قابل بهبود دانشگاه تهران قرار دارند. لذا، برای بهبود وضعیت باید عمده فعالیت‌هایی صورت گیرد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در رابطه با حوزه‌های فوق، بررسی مبانی نظری مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، مطالعات تطبیقی و تجارب پژوهشی و کاربردی دانشگاه‌های دنیا، راهکارهایی پیشنهادی می‌شود که می‌تواند مورد استفاده دانشگاه مورد مطالعه و سایر دانشگاه‌های ایران به‌منظور تقویت جایگاه مسئولیت اجتماعی و نحوه برخورد آن‌ها با این رویکرد قرار گیرد.

با توجه به اینکه وضعیت دانشگاه در رابطه با حوزه دانشگاه مسئول به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی، در سطحی نه‌چندان مطلوب قرار دارد توصیه می‌شود:

— به‌منظور ایجاد تصویر مطلوب درون و برون‌سازمانی، دانشگاه به ارزیابی مستمر پیامدها و تأثیرات اجتماعی استراتژی‌های خود پردازد؛ در این راستا لازم است سند چشم‌انداز و برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت خود را بازنگری کرده و با جلب مشارکت تمامی ذی‌نفعان داخلی و خارجی دانشگاه به اصلاح آن‌ها پردازد.

— باهدف یکپارچگی فعالیت‌ها و اثربخشی بیشتر آن‌ها، یک واحد مستقل سیاست‌گذاری و پشتیبانی برای پیشبرد امور مسئولیت اجتماعی دانشگاه ایجاد نماید.

با توجه به وضعیت نه‌چندان مطلوب دانشگاه در رابطه با آموزش معتبر و مسئولانه شهروندی و حرفه‌ای، توصیه می‌شود:

— کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی مسئولیت اجتماعی برای ذی‌نفعان دانشگاه و ارتقاء فرهنگ و مسئولیت‌پذیری شهروندی آنان با تأکید بر تقویت رویکرد مشارکتی و نگاه تیمی، طراحی و اجرا شود.

در رابطه با تقویت حوزه سوم و چهارم، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت از توسعه پایدار، نیز قویاً توصیه می‌شود:

— در راستای هدف جهانی‌شدن، دانشگاه به شبکه‌های بین‌المللی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی و ائتلاف با آن‌ها برای اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مرتبط بپیوندد.

— مرکز پژوهش‌های مسئولیت اجتماعی در دانشگاه و دانشکده‌های آن به‌منظور ساماندهی و هدفمند کردن پژوهش‌های مرتبط و تأسیس فصلنامه علمی - پژوهشی در جهت انتشار نتایج پژوهش‌های مسئولیت اجتماعی همراه با برگزاری همایش‌های علمی و تخصصی باهدف به اشتراک گذاشتن یافته‌های پژوهشی و آگاهی بخشی به عموم افراد جامعه ایجاد شود. در وهله اول، انجام پروژه‌های پژوهشی باهدف شناسایی چالش‌ها و موانع پای بندی دانشگاه به مسئولیت اجتماعی و راهکارهای آن حائز اهمیت است.

منابع

— اصلاحی، محمد. (۱۳۹۱). «الگوی علی روابط بین ارزش‌های فرهنگی، مدیریت دانش و ارتقای مسئولیت اجتماعی در میان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۹۲-۹۱». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه ارومیه.

— اصلاحی، محمد؛ سید عباس زاده، میر محمد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی در میان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه ارومیه. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها.

— اصلاحی، محمد؛ قوی، رحیم؛ سید عباس زاده، میر محمد. (۱۳۹۲). تبیین رابطه بین فرهنگ‌سازمانی و نگرش به مسئولیت اجتماعی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه ارومیه. کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت.

— ثابتی، عبدالحمید. (۱۳۹۰). «بررسی میزان توجه به شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در رشته‌های فنی و مهندسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.

— شافعی، رضا؛ عزیزی، نعمت اله. (۱۳۹۲). مطالعه وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غرب کشور (طراحی یک الگوی ارزیابی). فصلنامه رفتار سازمانی در آموزش و پرورش. شماره دوم، زمستان ۹۲.

مطالعه شناخت وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر.../ ۱۰۱

__شفائی یامچلو، طاهره (۱۳۹۵). شناسایی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر مدل والایس (مورد: دانشگاه تهران) بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی و ارائه راهکار جهت بهبود آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

__صالحی عمران، ابراهیم؛ ثابتی، عبدالحمید؛ حسن زاده، سودابه. (۱۳۹۱). بررسی اهمیت شاخص های مسئولیت اجتماعی شرکت ها در مراکز صنعتی و دانشگاه ها. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. شماره دوم، بهار ۹۱.

__فرستخواه، مقصود (۱۳۹۲). تدوین الگویی برای بالندگی اعضای هیئت علمی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۷۰.

__Ahmed, Jamilah. (۲۰۱۲). Can a university act as (CSR) driver? An analysis. Social Responsibility Journal Emerald Article, Vol. ۸ Iss: ۱ pp. ۷۷-۸۶. <http://dx.doi.org/10.1108/17471111211196584>.

__Alaa Tag Eldin, Mohamed. (۲۰۱۵). A Framework for University Social Responsibility and Sustainability: The Case of South Valley University, Egypt. International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic and Management Engineering, Vol. ۹. No:۷.

__Alzyoud, S. Bani-Hani, K. (۲۰۱۵). Social Responsibility in Higher Education Institutions: Application Case From The Middle East. European Scientific Journal, Vol. ۱۱, No: ۸ ISSN: ۱۸۵۷-۷۸۸۱.

__Atakan, Serap, M. G. & Eker, Tutku. (۲۰۱۴). Corporate Identity of a Socially Responsible University: A case from the Turkish Higher Education Sector. Journal of Business Ethics, Vol. ۱۲۶, No. ۱, Corporate Identity, Ethics and Corporate Social Responsibility (Nov. ۲۰۰۷), pp. ۵۵-۶۸. <http://www.jstor.org/stable/25075494>.

__Baccarini, Elvio. (۲۰۱۴). The Policy Maker: On Ethics and Public Policy,” Philosophy and Public Issues (New Series), Vol. ۴, No. ۳. ۸۳-۹۶, edited by S. Maffettone, G. Pellegrino and M. Bocchiola

__Boyer, E. L. (۱۹۹۰). Scholarship Reconsidered. New York: The Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching.

__Hopeniene, Rimante et al. (۲۰۱۱). Manifestation of Social Responsibility at University: Theoretical Insights. Acta Universitatis Lodziensis. Folia Oeconomica ۲۵۷.

__Lenuta Rus, Claudia et al (۲۰۱۴). Learning Organization and Social Responsibility in Romanian Higher Education Institutions. Procedia – Social and Behavioral Sciences, No ۱۴۲, pp. ۱۴۶-۱۵۳. <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/3.0/>.

__Reiser, J. (۲۰۰۸). University Social Responsibility definition. Cited and retrived ۱۴.۱۰.۲۰۰۹ from <http://www.usralliance.org/resources/Aurilla-Presentation-Session۶.pdf>. Review, ۱۶, ۶۹۱-۷۱۸.

__Sawasdikosol, Saninuj. (۲۰۰۹). University Social Responsibility Alliance: Collaboration Foundation to the New Era of University Social Responsibility for Sufficiency Economy, Green Technology, Sustainable Environment and Sustainable Development. The Royal Golden Jubilee International Seminar Series LXX. <https://www.linkedin.com/in/saninuj>.

_Seto-Pamies, D. Domingo-Vemis, M. & Rabassa-Figueras, N. (۲۰۱۱). Corporate social responsibility in management education: current status in spanish universities. *Journal of Management and Organization*, ۱۷(۵), ۶۰۴-۶۲۰.

_Sullivan, W. M. (۲۰۰۳). The university as citizen: institutional identity and social responsibility. A special report. *The civic Arts Review*, ۱۶(۱), ۱-۱۴.

_Vallaeyse, F. (۲۰۰۸). University Social Responsibility: A Mature and Responsible Definition. *Higher Education In The World* °. <http://www.guninetwork.org/>.

_Vallaeyse, Francois et al. (۲۰۰۹). Responsabilidad Social Universitaria. Manual de primeros pasos. McGraw-Hill, Interamericana. ISBN: ۹۷۸-۱-۵۹۷۸۲-۰.

_Vasilescu, R. Barna, C. Epure, M. and Baicu, C. (۲۰۱۰). Developin university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, ۲, ۴۱۷۷-۴۱۸۷.

_Vazquez, J. L et al, (۲۰۱۳). Corporate Social Responsibility and Higher Education: Uruguay University Students' perceptions. *Economics & Sociology*, Vol. ۶, No ۲, pp, ۱۴۵-۱۵۷.

_Vazquez, J. L et al, (۲۰۱۴). Are students aware of university social responsibility? Some insights from a survey in a Spanish university. Faculty of Economics and Business, University of Leon, Campus de Veganza s/n. Springer-Verlag Berlin Heide. *Int Rev Public Nonprofit Mark*. DOI ۱۰.۱۰۰۷/s ۱۲۲۰۸-۰۱۴-۰۱۱۴-۳.

_Williams, Kevin (۲۰۰۸). Troubling the Concept of the 'Academic Profession' in ۲۱st Century Higher Education. *High Educ*. Vol ۵۶. Pp ۵۳۳-۵۴۴.